



تاکتیک‌های نظامی سپاه اسلام در جریان جنگ‌های صلیبی

جنگ‌های صلیبی نخستین جنگ جهانی تاریخ بود؛ زیرا قبل از این اقدام جنون‌آمیز سابقه نداشت که قاره اروپا در اقدامی دسته‌جمعی و با یک هدف واحد اقدام به لشکرکشی کند.

جنگ‌های صلیبی نخستین جنگ جهانی تاریخ بود؛ زیرا قبل از این اقدام جنون‌آمیز سابقه نداشت که قاره اروپا در اقدامی دسته‌جمعی و با یک هدف واحد اقدام به لشکرکشی کند.

در آن زمان، سرکردگان اصلی جریان جنگ‌افروزی در اروپا به مردم اروپا اعلام می‌کردند که مسلمانان، انسان‌خوار هستند. آنها صفت‌هایی مانند «دشمنان مسیح» و... را به مسلمانان نسبت می‌دادند و گیبون (Gibbon) مورخ برجسته انگلیسی در این باره می‌گوید: «این اتهامات ناشی از جهل و نژادپرستی بود و قرآن کریم این صفت‌های نسبت داده شده به مسلمانان را رد کرده است و علاوه بر این، تاریخ فتوحات عرب‌ها و تعامل خوب آنها در قبال مسیحیان در عرصه زندگی و نیز قانونگذاری، کذب این ادعاها را ثابت می‌کند.»

از آنجا که شهادت و گواهی افرادی از داخل یک جامعه از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است، رنسیمان، مورخ برجسته مسیحی گفته است: «مسیحیان در زمان حکومت دولت‌های اسلامی در بهترین وضع به سر می‌بردند و ضمن برخورداری از آزادی تجارت و زندگی امن، مانند گذشته مالیات‌های سنگینی هم پرداخت نمی‌کردند و اگر هم حوادثی روی می‌داد، بیشتر اقدامات فردی بود که امثال آن در هر دوره‌ای از تاریخ و در هر سرزمینی روی داده است و حتی در بسیاری از موارد خود مسیحیان اعلام می‌کردند که عامل این حوادث، اروپایی‌ها هستند. از سوی دیگر، این واقعا ظلمی آشکار است که اقدامات فردی به حساب حکومت‌ها گذاشته شود. به هر حال، هدف اصلی از این اقدامات مشخص بود و آن استفاده از اقدامات فردی معدود و انگشت‌شمار و بزرگنمایی آنها برای تحریک مسیحیان علیه مسلمانان بود.»

برای اثبات این واقعیت اشاره به این سخن «منرو» کافی است که می‌گوید: «جنایت‌های نسبت داده شده به مسلمانان، با چاشنی دروغ و بزرگنمایی آمیخته شده است... تا با فضای آن دوره که به مراتب وحشیانه‌تر از عصر کنونی است، تطابق و سازگاری داشته باشد.»

برنار دیویس در خاطرات خود این دروغ‌پردازی‌ها را تکذیب کرده و آورده است که «در آن زمان روح اسلام بر تمامی مناطق مسیحی و مسلمان‌نشین حاکم بود و حتی اگر به عنوان مثال من به مسافرت می‌رفتم و قاطر و الاغی که وسایلم را حمل می‌کرد، رم می‌کرد و وسایل مرا زمین می‌انداخت و مجبور می‌شدم برای پیدا کردن الاغ یا قاطر دیگر به نزدیک‌ترین شهر و آبادی بروم و وسایلم را بدون نگهبان در آنجا رها می‌کردم، وقتی بر می‌گشتم، می‌دیدم که آنها همان جا سر جای خودشان هست.»

صحبت کردن درباره اهمیت و جایگاه جنگ در جوامع امروزی هیچ نیازی به ارائه دلیل و برهان ندارد؛ زیرا امروزه آماده‌سازی نیروهای مسلح کشورها، تبیین راهبردهای کلی برای آنها و مشخص کردن شیوه انجام عملیات نظامی و تاکتیک‌های مورد نظر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما شاید بررسی تاکتیک‌های جنگی در زمان جنگ‌های صلیبی فوایدی در بر داشته باشد و البته توجه به این مساله نیز لازم است که بررسی فنون نظامی در این برهه از تاریخ و نتایج ناشی از آن در عرصه‌های نظامی، نیازمند زمان و تلاش زیاد است.

شاید انتخاب این مقاله برای انتشار، ناشی از اهمیت توجه به شیوه‌های نظامی مورد استفاده سپاه اسلام؛ آن هم از دید دکتر ریسی اسمیل، نویسنده غیر مسلمان باشد. این نویسنده انگلیسی شیوه‌های نظامی مذکور را از دید غرب و با استناد به منابع غربی و عربی ترجمه شده از زبان‌های دیگر مورد بررسی قرار داده است، اما با وجود این نتوانسته است واقعیت مربوط به استفاده ارتش صلیبی از شیوه‌های مدرن برای جنگ با مسلمانان را کتمان کند.

علاوه بر این، لازم است به اهمیت اقدام مهم محمد ولید جلال در ترجمه کتاب ریسی اسمیل با عنوان «تاکتیک نظامی صلیبی‌ها در قرن 12 (1097 – 1193 م)» اشاره کرد.

تاکتیک نظامی

هدف این مقاله پرداختن به تاکتیک نظامی مورد استفاده سپاهیان اسلام و بویژه سپاهیان حکومت‌های سلجوقی و ایوبی در

جنگ علیه سربازان صلیبی است. شکی نیست که سربازان صلیبی که حکام اروپایی آنها را در کنار هم جمع کرده بودند و بسیاری از رهبران مسیحی (پاپ‌ها) نیز به بهانه حمایت مقدسات مسیحی، از آنها حمایت می‌کردند، از تاکتیک نظامی ویژه‌ای در برابر سپاه اسلام استفاده می‌کردند؛ از این رو، سپاه اسلام خود را مجبور به مقابله با این رویکرد نظامی سپاه صلیبی و حتی رسیدن به برتری نظامی در برابر آنها می‌دیدند؛ زیرا بسیاری از مورخان غربی به برخی ویژگی‌های نظامی این نیروها اشاره کرده‌اند.

در همین راستا، فلچر در توصیف سپاه اسلام که با صلیبی‌ها می‌جنگید، آورده است که آنها دو ویژگی اصلی داشتند که همه کارشناسان غربی به آنها اشاره کرده‌اند: «فریادهای بلند در میدان جنگ» و «کوبیدن ضربات محکم بر طبل‌ها».

اگر بخواهیم نگاهی به تشکیلات سپاه اسلام داشته باشیم، می‌بینیم که اکثر آنها سوارکارانی از قومیت‌های مختلف را در ترکیب خود داشتند و سپاه سلجوقی مصداق بارز آن است. شاید این مساله ناشی از وجود مبارزان مناطق مختلف آسیای غربی در تشکیلات آنها بود.

مورخان عرب در بسیاری از موارد به پیاده نظام‌ها اشاره کرده‌اند، اما به وظایف نظامی آنها به طور کامل اشاره نکرده‌اند. البته شکی نیست که این افراد بیشتر در بخش تدارکات و بویژه اسکان و تغذیه نیروها فعالیت داشتند و در مواقع جنگ، مهارت‌های خود را برای مبارزه در مناطق ناهموار نشان می‌دادند. به عنوان مثال، وقتی سپاه دمشق در سال 1126 میلادی برای دفاع از این شهر وارد جنگ با سپاه صلیبی شد، در کنار هر سوارکاری چند پیاده‌نظام نیز حضور داشتند، اما نقش آنها فقط زمانی به چشم می‌آمد که کار به جنگ با شمشیر می‌کشید. علاوه بر این، اشاره‌هایی هم به سوارکاران غیر مسلح شده است. بزرگ‌ترین خطری که نیروهای صلیبی را تهدید می‌کرد تیراندازان سواره‌نظام بود که در بسیاری از کتاب‌های نظامی رومی‌ها به تفصیل به این مساله اشاره شده است.

تسلیمات

بخش مهمی از سپاه سلجوقی را سواره‌نظام تشکیل می‌داد و البته نیروهای صلیبی نیز از این مساله مستثنی نبودند، اما تمامی اسناد تاریخ معاصر نشان می‌دهد که نیروهای سپاه سلجوقی از سرعت و انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به نیروهای صلیبی در میدان جنگ برخوردار بودند که این مساله ناشی از سرعت اسب‌ها و وزن کم تسلیحات و تجهیزات آنها بود؛ به طوری که سلاح اصلی آنها تیر و کمان بود و در عین حال، تجهیزاتی مانند زره، نیزه، شمشیر و پتک نیز با خود حمل می‌کردند و مشخص است که وزن نیزه و سیر آنها کمتر از تجهیزات مشابه نیروهای صلیبی بود. وقتی هم که برتری نفری به نفع سپاهیان سلجوقی نبود، نیروهای صلیبی ترجیح می‌دادند که در کنار هم قرار بگیرند و از پراکندگی نیروها جلوگیری کنند. مساله جالب توجه دیگر، طول نیزه‌های سپاهیان سلجوقی و بویژه بعضی نیروهای عرب‌تبار بود که اسامه بن منقذ هم به آن اشاره کرده است.

به نظر می‌رسد نیزه‌هایی که سپاهیان اسلام در جریان جنگ با صلیبی‌ها استفاده می‌کردند، به مراتب سبک‌تر بود و مانند نیزه‌های صلیبی‌ها از چوب بلوط ساخته نمی‌شدند، بلکه دسته آنها از نی و سر آنها از آهن بود. علاوه بر این، سپرهای نیروهای سپاه اسلام نیز مانند سپرهای نیروهای صلیبی، بلند نبود، بلکه بیشتر دایره‌ای شکل و کوچک بودند و هر چند قدرت دفاعی کمتری را برای سپاهیان اسلام فراهم می‌کردند، اما سبکی آنها ویژگی اصلی‌شان بود. نیروهای سپاه اسلام همچنین از اسب‌ها و تسلیحات سبک‌تری نسبت به سربازان صلیبی استفاده می‌کردند و این مساله باعث برتری آنها در چهار مورد می‌شد.

نخست به آنها امکان می‌داد که از دسترس نیروهای دشمن دور باشند و لحظه مناسب را برای درگیری با آنها انتخاب کنند و این در حالی بود که سربازان صلیبی عادت داشتند بیشتر با سواره‌نظام درگیر شوند. البته سربازان صلیبی نیز از سنگینی اسب‌ها و سرعت پایین آنها برای ایجاد رعب و وحشت بیشتر در جریان حملاتشان استفاده می‌کردند و این مساله به نوبه خود از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ به طوری که آنها فقط زمانی که سپاهیان اسلام در کنار هم جمع بودند، به آنها حمله می‌کردند و این در حالی است که سپاه اسلام چنین ویژگی‌ای را نداشت و نیروهای آن به هنگام حمله دشمن، خود را برای فرار سریع از دست سپاهیان دشمن آماده می‌کردند و وقتی نیروهای دشمن از تعقیب آنها خسته می‌شدند و دست می‌کشیدند، سپاهیان اسلام مجدداً دست به حمله به آنها می‌زدند.

نویسندگان لاتین در اوایل قرن و اواخر آن به شکل مساوی به این مساله اشاره کرده‌اند. به هر حال، شاخصه اصلی سپاهیان اسلام در آن زمان، عقب‌نشینی سریع و حمله برق‌آسا بود و آنها این عقب‌نشینی را عیب نمی‌دانستند؛ چرا که از نظر آنها، اهمیت آن کمتر از تعقیب نیروهای دشمن نبود.

دوم این که سپاه اسلام از مساله عقب‌نشینی به عنوان شیوه‌ای برای فریب دشمن استفاده می‌کرد و در برخی مواقع این عقب‌نشینی حتی چند روز به طول می‌انجامید تا این که سربازان دشمن صلیبی، خسته و از پایگاه‌هایشان دور شوند. سپاهیان

اسلام حتی در برخی مواقع برای سربازان صلیبی طعمه هم می‌گذاشتند تا آنها را به موقعیت دلخواه خود بکشانند؛ به عنوان مثال، گروهی کوچک از نیروهای سواره‌نظام را در مسیر آنها قرار می‌دادند تا دشمن فریب این گروه کوچک را خورده و با حمله به آنها در دام بزرگ گرفتار شود. نقشه اصلی سپاه اسلام از این قرار بود که وقتی این گروه کوچک سواره‌نظام در معرض حمله قرار می‌گرفت، سربازان دشمن را که در تعقیب آنها بود، به سمت گروه اصلی از سپاهیان اسلام که در نقطه‌ای دیگر کمین کرده بود، می‌کشاند و به این ترتیب، سپاه اسلام می‌توانست به سربازان صلیبی ضربه‌ای بزرگ یا جزئی وارد کند.

بعد سوم این مساله این بود که سپاهیان اسلام از حرکت خود برای حمله به دو طرف نیروهای دشمن یا حمله به آنها از عقب استفاده می‌کردند و به محض این‌که فرصتی پیدا می‌کردند از هر طرف به آنها حمله می‌کردند و آنها را احاطه می‌کردند و اگر هم نمی‌توانستند از تمامی جهات آنها را محاصره کنند، از یک یا دو طرف آنها را در بر می‌گرفتند. البته شاید استفاده از این تاکتیک نظامی ناشی از برتری عددی سپاه اسلام بود، اما به هر حال، این تاکتیک نظامی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حمله سپاه اسلام به نیروهای دشمن بود و به این ترتیب، نیروهای صلیبی مجبور بودند همیشه مواظب پشت سر خود باشند؛ چرا که آنها قبلاً با این تاکتیک‌های نظامی روبه‌رو نشده بودند تا شیوه‌های دفاعی مناسب را اتخاذ کنند.

مساله چهارم در این زمینه، استفاده سپاه اسلام از سرعت حرکت خود برای حمله به دشمن و مجبور کردن آن به جنگ و درگیری در طول مسیر بود و این مساله باعث برتری طرف مهاجم برخوردار از سرعت بیشتر می‌شد. این تاکتیک نظامی نیز شیوه‌ای مدرن و ناشناخته برای نیروهای صلیبی بود که باعث خشم و عصبانیت آنها می‌شد؛ چرا که آنها می‌خواستند قبل از ورود به جنگ دستجات و گروه‌های خود را ساماندهی کنند و با ساماندهی مناسب وارد عرصه جنگ شوند، اما سپاه اسلام با حمله به آنها از پشت این فرصت را از آنها می‌گرفت و با آغاز هجوم در مسیر حرکت نیروهای دشمن، نظم آنها را به هم می‌ریخت؛ به طوری که نیروهای صلیبی بیشتر مجبور بودند مواظب بخش انتهایی سپاه خود باشند و فرمانده آنها نیز با مشکلات بیشتری برای کنترل اوضاع در مقایسه با حملاتی که از جلوی سپاه صورت می‌گرفت، مواجه می‌شد.

شاهدان عینی موارد متعددی از این تاکتیک‌های نظامی علیه نیروهای صلیبی را که در سال 1147 سعی در عبور از آسیای صغیر را داشتند یا علیه نیروهای فریدیک برابروسا که در سال 1190 در حال عبور از همین مسیر بود، ثبت و ضبط کرده‌اند؛ به طوری که نیروهای صلیبی مجبور شده بودند در سوریه اقدامات متعددی برای مقابله با این حملات اتخاذ کنند و اهتمام زیادی به ساماندهی بخش انتهایی سپاه و نظارت بر آن نشان می‌دادند.

دومین ویژگی تاکتیکی سپاهیان سلجوقی و ایوبی، قدرت تحرک آن و تکیه بر کمانداران بود که از مهارت بالایی برای استفاده از تیر و کمان در حین حرکت با اسب برخوردار بودند؛ به طوری که گفته می‌شود آنها به هنگام فرار نیز این قدرت را داشتند که به عقب برگردند و به سمت سربازان دشمن که در تعقیب آنها بودند، تیر بیندازند. از آنجا که نویسندگان لاتین در کتاب‌های خود بیشتر از عبارتهایی مانند «رگبار»، «باران شدید» و اصطلاحات مشابه استفاده می‌کردند، مشخص است که سپاهیان اسلام از حجم بالای تیر علیه سربازان صلیبی استفاده می‌کردند. به این ترتیب، می‌توان گفت که تیر و کمان از جمله سلاح‌های سبک مورد استفاده سپاه اسلام بود و تیرهای نیروهای سپاه اسلام قدرت نفوذ در سپرهای سربازان صلیبی را داشت. بسیاری از نویسندگان نیز از تصویر حیوانی به نام تشی (شبهه به جوجه تیغی) برای نشان دادن حالت افراد یا حیواناتی که در معرض تیرهای سپاهیان اسلام قرار گرفته بودند، استفاده می‌کردند.

یکی از کاربردهای تاکتیکی تیراندازی به سمت سپاه دشمن، متفرق کردن نیروهای آنها و ضربه زدن هم به نیروها و هم به اسب‌هایشان بود. به این ترتیب، حملات کمانداران در کنار ضربات دیگر باعث تضعیف روحیه سپاه دشمن می‌شد و در حالی که بهترین روش برای در امان ماندن از این تیرها، نزدیک شدن و حمله کردن به کمانداران بود، نیروهای سپاه اسلام از این روش برای متفرق کردن نیروهای صلیبی و تحریک آنها به حمله استفاده می‌کردند.

یکپارچگی

اما تحرک سریع نیروهای سپاه اسلام و تیراندازی آنها برای تحقق پیروزی کافی نبود؛ چرا که اینها تنها شیوه‌هایی برای تضعیف دشمن بود و شکست دادن کامل دشمن در میدان جنگ فقط از طریق درگیری تن‌به‌تن با آنها با استفاده نیزه، شمشیر و گرز بود و هر وقت سپاه اسلام فرصت را برای درگیری با دشمن فراهم می‌دید، سپاهیان کمان‌ها را بر دوش می‌انداختند و برای یکسره کردن کار دشمن به آنها حمله می‌کردند.

فلچر و رالف در نوشته‌های خود تصاویر متعددی از سپاهیان اسلام را درج کرده‌اند که ابتدا با تیر و کمان، سپس با نیزه و در نهایت با شمشیر به سپاه دشمن حمله می‌کنند و این مساله به وضوح در نبردهای هاب و حطین و حتی ارسوف دیده می‌شود. سپاه سلجوقی هرگز در حمله به دشمن عجله نمی‌کرد، بلکه ابتدا سعی می‌کرد با تیراندازی و جنگ و گریز به حد کافی سربازان

طرف مقابل را تضعیف کند و سپس دست به حمله می‌زد. این تاکتیک نظامی سپاه اسلام با غریزه فطری انسان کاملاً همخوانی داشت؛ به طوری که انسان همیشه باید قبل از حمله به دشمن خود تمامی راه‌های کسب برتری نظامی در برابر آن را در نظر بگیرد. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به اصل غافلگیری یا وادار کردن دشمن به ورود به عرصه جنگ اضطراری و برخلاف میل آن اشاره کرد. مسلمانان در همین جهت، همواره سعی می‌کردند خود را دور از دشمن نگه‌دارند و از آزادی عمل برخوردار باشند و بتوانند به صلاحدید خود وارد جنگ شوند یا از آن صرفنظر کنند. آنها همچنین جز در صورت فراهم شدن شرایط لازم پس از طی مراحل حمله کمانداران و استفاده از شیوه تعقیب و گریز، دست به حمله نمی‌زدند.

الحیات / مترجم: یوسف رضازاده